

بررسی عملکرد عبدالحسین خان معززالملک (تیمورتاش) از مجلس شورای ملی تا تشکیل مجلس مؤسسان

سید حمید فخر جعفری^۱

امید سپهری راد^۲

ابوالحسن مبین^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

چکیده

تیمورتاش، یکی از خطباء و لیبر حزب اعتدالیون در ادوار مجلس دوم به بعد بوده است. در تعامل با سایر دول و اخذ تصمیمات پارلمانی، تاسیس ژاندارمری، مواجهه با قرارداد (۱۹۱۹م)، مهاجرت نمایندگان مجلس از قم به کرمانشاه در پی اشغال ایران، حق واگذاری امتیاز نفت شمال به کمپانی آمریکایی، تصمیمات کمیته میکس،* تعطیلی مجلس در قضیه شوستر، تا دوران فترت مجلس و والی گری بر گیلان، کرمان و بلوچستان، وزارت عدلیه، بی طرفی در قضیه جمهوری خواهی و تا حضور در کابینه رضا خان و تشکیل مجلس مؤسسان و خلع قاجاریه، به عنوان یکی از عناصر مؤثر مطرح است. این مقاله، با روش کتابخانه ای، با طرح این پرسش که معززالملک و نقش او قبل از وزارت دربار و عملکرد وی را در سیر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران این دوره با بررسی اسناد و منابع تاریخی موجود مورد ارزیابی و بررسی قرار می دهد. بررسی اسناد و منابع تاریخی موجود نشان می دهند که سردار معظم خراسانی، از عناصر اصلی در برپایی و تحکیم حکومت پهلوی نقش اساسی داشته است و از وکلای فعال در تغییر سلطنت بوده است.

کلید واژه ها: احزاب سیاسی، عبدالحسین خان معززالملک، پارلمان، جمهوری خواهی، مجلس مؤسسان.

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (hamidfakhr1354@gmail.com)

^۲ - استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)، (Omid_sepehri@yahoo.com)

^۳ - استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (Mobayen2005@yahoo.com)

مقدمه

در طی ادوار تاریخی ایران، مقطع نهضت مشروطه، به ویژه در سده های اخیر که نماد تبلور خواست و اراده، مردم ایران بر سر نوشت خویش است و به رغم تمام کاستی ها و نواقص آن بستری را برای کسانی چون عبدالحسین خان معززالملک (سردار معظم خراسانی) فراهم ساخت تا علی رغم نداشتن ایل و تبار اشرافی به عنوان یکی از روشنفکران فرنگی ماب در بافت جامعه سنتی ایران به عنوان عنصری تاثیر گذار در روند تغییرات بنیادین نظام ایران مبدل گردد. او در سایه هوش ذاتی و شم سیاسی قوی به عنوان نماینده مجلس، در ادوار دوم به بعد همانند، خطیبی برجسته، به نقش آفرینی در سیر تحولات سر نوشت ساز این دوران پرداخت.

از جمله رخداد های این دوران از: فتح تهران به دست مجاهدین تا فرار محمد علی شاه مخلوع، و به سلطنت رسیدن احمد شاه، در سایه وقوع جنگ بین الملل اول و تا اشغال ایران توسط دول روس وانگلیس، قحطی و نسل کشی خاموش ایرانیان، در مواجهه نمایندگان مجلس شورای ملی با نیرو های بیگانه روسی و مهاجرت برخی از آن نمایندگان به قم، کرمانشاه و کشور عثمانی تا بروز قیام و شورش ها، در ولایات خراسان همچون شورش خدو سردار و لهاک خان تا قیام پسیان و نهضت جنگل و ترمذ شیخ خزعل را می توان نام برد.

نقش آفرینی معززالملک و دیگر رجال ملی و مذهبی نظیر مدرس، تقی زاده، سلیمان میرزا، قوام السلطنه، مصدق، مشیرالدوله، داور، تدین و ... در مواجهه با تحولات جهانی و بلند پروازی های سردار سپه قابل تامل است و نقش مجلس در فقدان قدرت حکومت مرکزی قوی، حائز اهمیت فراوان است. این مقاله، با روش تاریخی، مبتنی بر توصیف و تحلیل، با طرح این پرسش که سردار معظم خراسانی نماینده مجلس شورای ملی، تا تشکیل شدن مجلس مؤسسان و قبل از وزارت دربار پهلوی چه نقشی داشته است، و همچنین فعالیت او را در سیر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران این عصر با بررسی اسناد و منابع تاریخی موجود مورد کنکاش قرار دهد.

عبدالحسین خان معززالملک در قدرت

عبدالحسین خان معززالملک، یکی از جوانان تحصیل کرده و از فرنگ برگشته (فارغ التحصیل مدرسه نظام نیکلای روسیه تزاری) به ایران است، که در سال (۱۲۸۶ش / ۱۳۲۵ق) بازگشتش مقارن شده با پیروزی مشروطه خواهان ایران و در پرتو گذار بنیادین قدرت در ایران، فرصتی پیش آمده که در اختیار تحصیل کردگان فرنگی مآبی همچون عبدالحسین خان معززالملک قرار گرفت، تا علی رغم نداشتن تبار اشرافی، با شرکت فعالانه در انقلاب مشروطه از فرصت به دست آمده استفاده کنند و به صفوف انقلابیون بپیوندند. معززالملک به رغم اقامت طولانی مدت در روسیه تزاری دارای نوعی

استقلال فکری و حس ملی‌گرایی بود و در جریان مشروطیت که روسها از محمدعلی شاه حمایت می‌کردند، عبدالحسین خان در صف مخالفان این جریان قرار داشت. (مستوفی، ۱۳۶۸: ۱۷۵)

او که از اهمیت نقش مجلس در توازن قواء همچون دول مغرب زمین آگاه بود و به دلیل داشتن هوش ذاتی و نفوذ پدرش، کریم‌دادخان در دربار حاکمان قاجاری و در پی شهرت او پس از فداکاربهایش، در جریان انقلاب مشروطه و در پی حوادثی چون جریان حمله قوای نظامی دولت مستبد، محمد علی شاه، به مجلس شورای ملی و کشیدن درگیری و نزاع به صحنه سپهسالار، عبدالحسین خان معززالملک، به عنوان فرمانده مدافعین مجلس در یک دسته ۲۵ نفری از مجاهدین مسلح مشروطه خواه، موفق به عقب راندن نیروهای مهاجم دولتی گردید. (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۱۲۰) مجلس دوم شورای ملی که پس از یک فترت ۱۷ ماهه پس از فتح تهران به دست مجاهدین درآبان (۱۲۸۸ش/۱۳۲۷ق) مجدداً گشایش یافت.

سردار معظم خراسانی، هنوز به سن قانونی ۳۰ سالگی نرسیده بود، که به فکر شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی افتاد و توانست به عنوان وکیل مجلس از منطقه خراسان (جوین) به مجلس راه یابد. در زمان بررسی صلاحیت اعتبارنامه و کلاء در مجلس شورای ملی، اعتبارنامه اش از طرف دو نفر از و کلاء مورد سؤال و اشکال قرار گرفت و به کمیسیون مربوطه، ارجاع گردید. (خواجه نوری، ۱۳۵۷: ۲۹-۳۶)

در این زمان عبدالحسین خان فوراً پیکری تندرو به نزد پدرش فرستاد و پدرش، نیز ضمن تدارک ولیمه ای، استشهادی که به امضای شهود متنفاً رسیده بود، را فراهم نمود. بر اساس این گواهی بزرگان قوم، گواهی ۳۰ سال تمام بودن سن عبدالحسین خان را داده بودند و چون امضاء کنندگان افرادی با نفوذ بودند، در صحت این ادعا هیچ تردیدی بوجود نیامد و در جلسه علنی مجلس مطرح و اعتبارنامه، طبق نطق مخبر و رأی گیری در صحن به حد نصاب رسیده و تایید گردید. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۳۱-۳۲)

عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی، وی توانست به عنوان یکی از چهار نماینده خراسان برگزیده و انتخاب شود. (آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ثبت شماره ۶۷ سند شماره ۲) با بازگشت حکومت مشروطه در سال (۱۲۸۸ش/۱۳۲۷ق) و بعد از استبداد صغیر دوران محمد علی شاه، انتخابات مجلس دوم شورای ملی بر اساس قانون جدید که در آن از تقسیم طبقاتی رای دهندگان چون گذشته خبری نبود، صورت پذیرفت. در این مجلس نمایندگان اصناف حضور خود را از دست داده بودند و نمایندگانی محافظه کار و اشرافی تر عنوان اکثریت را از آن خود کرده، و در قالب و فرم احزاب تازه شکل گرفته، برای مجلس شورای ملی نامزد معرفی می‌کردند. (کدی، ۱۳۸۱: ۱۰۷)

بعد از افتتاح مجلس شورای ملی دوم، احزابی همچون حزب دموکرات عامیون و حزب اتفاق ترقی، دموکراتها نیز اعلام موجودیت کردند و کسانی چون سپهدار اعظم تنکابنی، یحیی دولت آبادی، سید محمد طباطبایی، سید عبدالله بهبهانی، فرمانفرما و دیگران که اکثریت مجلس را از آن خود داشتند، طرفداران حزب اعتدالیون را تشکیل دادند. دموکراتها از انقلابیون تندرو بودند که مراسمشان

جدایی کامل قوه سیاسی از قوه مذهبی، تقسیم املاک بین رعایا، تا ایجاد نظام اجباری و تعلیم اجباری... بود. از روسای حزب دموکرات از تقی زاده، حسینقلی خان نواب، سلیمان میرزا و محمدرضا مساوات را می توان نام برد. در تنش های سیاسی و درگیری های ما بین دو حزب، به ویژه بعد از فتح تهران توسط مجاهدین، کار آنقدر بالا گرفت که به حذف فیزیکی رقیب کشیده شد و بالاخره آیت الله بهبهانی یکی از رهبران مشروطیت، به قتل رسید و ترورش را به دموکرات ها نسبت دادند. در چنین شرایطی دولت برای جلوگیری از ادامه چنین حوادثی، لایحه خلع سلاح مجاهدین را تقدیم مجلس کرد که با نطق پرشور معززالملک، در لزوم برقراری نظم و عدالت که به سخنی از امام علی (ع) مستند بود، لایحه مزبور مصوب گردید. (صورت مذاکرات مجلس سوم، ۱۳۲۲: ۱۹۴۰)

در مجلس معززالملک با اغتنام از فرصت ترور آیت الله بهبهانی در خصوص اجرای قانون معوق مانده خلع سلاح و ایجاد نظم و امنیت در جامعه، کمال استفاده را نمود و مجلس نیز به بیرم خان ارمی، رئیس نظمیہ دستور خلع سلاح مجاهدین را که در پارک اتابک مستقر بودند داد، که این حادثه منجر به زخمی شدن ستارخان (سردار ملی) گشت. (بهار، ۱۳۸۶: ۸-۱۱)

عبدالحسین خان که همچون ماهی که در آب بیفتد محل مناسبی برای ابراز شخصیت تازه سیاسی خود پیدا کرده بود، در مجلس شورای ملی دوم عضو هیئت رئیسه مجلس و مخبر کمیسیون نظام گردید. او در تمام مباحث مجلس شرکت می کرد و با فصاحت بیان و آگاهی پیرامون هر مطلبی، جسورانه اظهار نظر می کرد. او در ابتدا، قدرت نمایی خود را با وزیر امور خارجه، علاءالسلطنه آغاز کرد. علاءالسلطنه وقتی به سمت وزارت امور خارجه در کابینه سپه دار معرفی شد در همان جلسه اول پیرامون مرخصی مفتاح السلطنه و پرداخت حقوق بیست ماهه اخیر او مورد پرسش، انتقاد و سرزنش معززالملک قرار گرفت، وی از علاءالسلطنه توضیح خواست. پس از استماع توضیحات وزیر، معززالملک قانع نشد و آن را به کمیسیون ارجاع داد. هنوز چند ماه از دوران وکالت مجلس معززالملک، نگذشته بود که پدرش کریم دادخان فوت نمود. مجلس نیز یک ماه به او مرخصی به جهت انجام مراسم سوگواری پدرش داد. در تمامی شهرهای خراسان خاصه بیرجند و مشهد، سبزواری و تربت حیدریه مجلس ختم باشکوهی، برگزار شد. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۴)

از ایفای نقش عبدالحسین خان طی مجلس دوم شورای ملی می توان به نقش ایشان، در تدوین قوانینی چون قانون تشکیل ژاندارمری (۱۲۹۰ش/محررم ۱۳۲۹ق) که به درخواست دولت ایران در سال (۱۲۸۹ش/۱۳۲۸ق) از دولت سوئد بود، اشاره کرد. سرانجام به رغم مخالفت انگلستان، دولت ایران موفق به تشکیل نیروی ژاندارمری از افسران سوئدی که نسبتاً بی طرف بودند، شد. هرچند این نیروها از نفوذ انگلیسی ها و روس ها خالی نبودند. سرانجام جنجالی ترین کار مجلس دوم بررسی پذیرش و یا رد اولتیماتوم روسیه به ایران مبنی بر اخراج مورگان شوستر (مستشار امریکایی) بود، نقش معززالملک در این مساله مهم بود. معززالملک معتقد بود که چون دولت اولتیماتوم را پذیرفته باید استعفاء

دهد. (صورت مذاکرات مجلس ، ۱۳۲۹ : ۱۹۳۲) سرانجام مجلس دوم بر سر قضیه شوستر در سال (۱۲۹۰ش/۱۳۲۹ق) به اجبار تعطیل شد. (غنی، ۱۳۸۰: ۳۰)

در طی ایام انحلال مجلس، اقداماتی برای افتتاح آن از سوی عده ای از رجال با پیشنهاد هایی مبنی بر اینکه ۶۰ نفر وکیل از تهران، مجلس را مجدداً بازگشایی و قانون اساسی و قانون انتخابات را تغییر دهند، انجام پذیرفت. در همین ایام (۱۲۹۳ش/۱۳۳۲ق) احمد شاه قاجار، تاجگذاری کرد و ناصرالملک نایب السلطنه، مجبور به مهاجرت از ایران، شد. (تقی زاده ، ۱۳۷۹: ۵۷)

عبدالحسین خان معززالملک که با انحلال مجلس دوم و فاصله ۳ ساله تا مجلس سوم به خراسان بازگشته بود، از طریق نفوذ شاهزاده نیرالدوله فامیل همسرش (سرورالسلطنه) ضمن دریافت لقب سردار معظم خراسانی به فرماندهی قشون لشکر خراسان منصوب شد. هرچند انتخابات ایالات ۸ ماه پس از آغاز انتخابات تهران شروع شده بود، مجلس سوم شورای ملی در زمان جنگ جهانی اول افتتاح شد. اهمیت مجلس سوم به ویژه در تعیین تکلیف موضع رسمی دولت ایران در جنگ جهانی اول و اعلان سیاست بی طرفی که در سخنرانی افتتاحیه مجلس توسط احمد شاه قرائت شد، قابل توجه است. تلاش بی فرجام مجلس و دولت در تخلیه قشون دول استعمارگر که ایران را به میدان کارزار مطامع خود مبدل کرده بودند، بی ثمر بود. (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۹۵)

در این زمان عقیده عامه ملت ایران نیز به جانب آلمان و متحدین متمایل بود تا بلکه در موقعیت مناسب انتقام خود را از دشمنان ایران گرفته و آنها را از مملکت ایران بیرون کنند (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۵۵) در ایام انحلال مجلس دوم اقداماتی برای باز شدن از سوی عده ای از رجال انجام گرفت از جمله اینکه ۶۰ نفر وکیل از تهران مجلس را افتتاح نمایند اوضاع داخلی مبارزات فرقه های سیاسی در مجلس قبل، و به هم خوردن مجلس دوم در سال (۱۲۹۰ش/۱۳۲۹ق)، و موضع فرقه های سیاسی حاضر در آن در مقابل سخت گیری های دولت وقت، و تهدیدات خارجی روس و انگلیس از هم پاشید، هرچند با افتتاح مجلس سوم، این احزاب دوباره رونقی گرفته و مجدداً به کار افتادند. به جز دو فرقه عمده در مجلس سوم که شامل دموکرات ها و اعتدالیون و البته هیأت علمیه که گروه جدیدی از علمای حاضر در مجلس به رهبری مدرس بود، ظهور یافتند و سایر فرق کوچک از صحنه سیاست حذف شده بودند تا آنجائی که سفیر انگلیس با اطمینان در تاریخ (۱۲۹۳ش/۱۳۳۲ق) مکتوب کرده بود که کلک دموکرات ها کنده شده است، اما با برگزاری انتخابات، عده کثیری از دموکرات ها به مجلس راه یافتند. احمدشاه در سال (۱۲۹۳ش/۱۳۳۲ق) تاجگذاری کرد، اما حکمرانی او تاثیر چندانی در امورات مملکتی نداشت، زیرا برحسب قانون مشروطه سلطنتی که به ایشان تفویض شده بود، شاه جوان قدرت اداره کشور را نداشت. طبق این قانون شاه باید سلطنت کند و نه حکومت و احمدشاه نیز سن و تجربه زیادی نداشت که نفوذ موثری داشته باشد. در سایه بروز جنگ بین الملل اول که باعث شده بود موقتاً دول روس و انگلیس از سختگیری های خود در دخالت در اوضاع داخلی ایران بکاهند، بروز این وضعیت

موجب شد تا حزب دموکرات در مجلس برای اولین بار از اکثریت کوچکی تشکیل یابد. (اتحادیه، ۱۳۷۱: ۷۱)

نخستین نشست رسمی مجلس سوم، نیز در روز (۱۷ محرم ۱۲۹۳ ش / ۱۳۳۲ ق) برگزار گردید و در ابتدای جلسه تلگراف تبریک ناصرالملک نائب السلطنه پیشین قرائت شد و سپس اعتبارنامه شماری از نمایندگان با قیام و قعود تصویب گردید کار بررسی اعتبارنامه های نمایندگان کم و بیش دو ماه طول کشید و پس از آن مجلس تازه، فرصت یافت درباره کابینه مستوفی الممالک تصمیم گیری کند. (پور آیین، ۱۳۸۵: ۳۹۴) در مجلس سوم چند اعتبارنامه مورد اعتراض قرار گرفت، از جمله اعتبارنامه وکیل مردم قوچان (سردار معظم خراسانی) که به دلیل داشتن سمت در فرماندهی قشون خراسان که مغایر قانون انتخابات بود، با نامزدی وی برای انتخابات مجلس مخالفت‌هایی شد، از این رو پرونده به کمیسیون مربوطه ارجاع داده شد، تا دلایلی بر رد آن اقامه شود. پس از چندی نیرالدوله والی خراسان طی نامه ای رسمی به مجلس شورای ملی ارسال نمود و نوشت: فرمانده قشون خراسان (سردار معظم خراسانی) قبل از انتخابات از سمت خود کناره‌گیری نموده است و هنگام اخذ رای مسئولیتی نداشته است. البته باید یادآور شد، مولف کتاب بازیگران عصر طلایی، ابهاماتی دیگر در خصوص نمایندگی دوره سوم سردار معظم خراسانی علاوه بر ایراد فرماندهی قشون مطرح نموده که از جمله این ایرادات به حد نصاب نرسیدن سن قانونی وی را یادآور شده، در حالی که صحیح نیست، چون نامبرده در دوره دوم هم وکیل مجلس بوده و اعتبار نامه او به تصویب رسیده و اساساً موضوع سن در دوره سوم موضوعیت ندارد. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۶۹)

به دلیل اینکه نیرالدوله والی خراسان با ارسال نامه ای به مجلس شورای ملی و قرائت مخبر کمیسیون در جلسه علنی مجلس شورای ملی، اعتبارنامه سردار معظم خراسانی با اکثریت آراء به تصویب رسید. البته این مکاتبات ۳ ماه طول کشید و سردار معظم خراسانی نیز بر خلاف دوره قبلی شناخته شده تر شده بود و حامیان فراوانی به ویژه در حزب هیأت موتلفه (که مرکب از اعتدالیون، ترقی خواهان جنوب، لیبرال و چند نفر مستقل شکل یافته بود) داشت. خود سردار معظم خراسانی به حزب اعتدالی و هیأت موتلفه که در قالب حزب اکثریت فعالیت می نمود، گرایش داشت. (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۳)

هرچند مجلس سوم بیش از یک سال عمر نکرد و با شروع جنگ بین الملل اول و تجاوزات دول روس و انگلیس به خاک ایران، مجلس شورای ملی نیز تعطیل شد و تعدادی از نمایندگان مجلس مجبور به مهاجرت به قم شدند، اوضاع احزاب به هم ریخت و منحل شد. سرانجام با فروپاشی مجلس سوم در سال (۱۲۹۴ ش / ۱۳۳۳ ق) تا تشکیل مجلس چهارم در سال (۱۳۰۰ ش / ۱۳۳۹ ق) رخوت و فترتی نسبتاً طولانی برفضای سیاسی کشور سایه افکند، و ایام فترت طولانی بین مجلس سوم و چهارم و رویدادهای سیاسی این دوران که انحطاط کامل احزاب را در پی داشت. در این میان حزب دموکرات از همه بیشتر آسیب دید تا دوباره در سال (۱۲۹۶ ش / ۱۳۳۵ ق) صحبت از تجدید انتخابات به میان

آمده‌ای از دموکرات‌ها در تهران به این دلیل که دیگران هنوز در خارج به سر می‌برند با تجدید انتخابات مخالفت کردند و از بقیه جدا شدند. افزایش فشار دولت برای تأیید قرارداد (۱۹۱۹م) توسط وثوق الدوله نیز باعث تفرقه بیشتر بین اعضاء حزب شد و در نتیجه حزب دموکرات بکلی منحل و از بین رفت. با اینکه نمایندگان مجلس، بی‌طرفی ایران را در جنگ بین الملل اول (۱۲۹۳ش/۱۹۱۴م) اعلام کرده بودند، باز هم اثرات شوم جنگ بین الملل در ایران نمایان شد و با حرکت قشون تزاری از قزوین به طرف تهران و سیاست دولت ایران به منظور منع تهاجم، حوادث بعدی چون مهاجرت عده‌ای از نمایندگان از تهران به قم را موجب گردید. (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۹۵)

حتی پس از تصمیم دولت به تغییر پایتخت از تهران به اصفهان و اعلام آن از طرف شاه به دربار لندن و پتروگراد در (۱۲۸۵ش/محرم ۱۳۲۴ق) باعث شورش شدید در تهران و نگرانی در دیگر شهرستان‌های ایران گردید و گروه بسیاری از مردم و کسبه و تجار از تهران خارج شدند. همچنین نمایندگان فراکسیون‌های مختلف مجلس، به تدریج از قم به کرمانشاه مهاجرت کردند و پس از اشغال قم نیز توسط نیروهای روسی، کمیته دفاع ملی و عده‌ای از نمایندگان مجلس که هنوز به عنوان حفظ مرکز ستاد ملی و مقابله با مهاجمان در قم باقی مانده بودند، به ناچار از قم به کرمانشاه و سپس به خاک کشور عثمانی مهاجرت کردند. این مهاجرت نمایندگان که بیش از نصف نمایندگان مجلس را دربر می‌گرفت، مجلس را ناگزیر نمود به موجب ماده ۴۹ قانون انتخابات که در آن باید نصف عده وکلای مجلس در مرکز حاضر باشند تا جلسات مجلس شورای ملی تشکیل و رسمیت یابد، مجلس شورای ملی پیش از پایان دوران رسمی خود، در تاریخ ۲۱ آبان (۱۲۹۴ش/۱۳۳۳ق) تعطیل گردید. (همان، ۱۳۷۷: ۲۹۶)

حد فاصل ایام فترت مجلس سوم تا چهارم

در این زمان و شرایط خطیر مملکت، سردار معظم خراسانی بی‌کار نبوده و ماموریت‌هایی به وی از طرف دولت وقت واگذار شد. روسیه، در پی انقلاب اکتبر (۱۹۱۷م) که مقارن با خروج این کشور از صحنه سیاسی ایران بود، یکه تازی بریتانیا به عنوان تنها بازیگر قدرتمند خارجی به منظور جلوگیری از نفوذ بلشویسم در منطقه به ویژه در مرزهای هند با ساز و کارهایی چون کنترل مستقیم بر امور مالی و نظامی ایران که در مفاد قرارداد (۱۹۱۹م) تأکید شده بود، همراه گردید. (ملایی توانی؛ ۳۸۱: ۶۳) دولت وقت «کمیسیون میکس» را در جهت حفظ منافع ملی برای تقسیم ۳۳ هزار لیره (موراتور یوم) تشکیل داده که سردار معظم خراسانی نیز به عنوان یکی از اعضای فعال کمیته ۵ نفره مذکور همچون هسنس بلژیکی (ریاست کل گمرکات ایران)؛ ماندول نماینده روس، مالکن نماینده انگلس، محسن خان امین الدوله، تشکیل گردید. در ابتدا ریاست کمیسیون را به میرزا محمد خان مصدق السلطنه (معاون وزیر مالیه) پیشنهاد گردید تا در ازای دریافت مقرری مادام العمر صد هزار تومان، ریاست کمیسیون برعهده

گرد اما وی نپذیرفت و سرانجام کمیسیون مختلط به ریاست هسنس بلژیکی به دستور دولت وقت در محل قصر ابیض تشکیل گردید. (مصدق، ۱۳۷۵: ۹: ۹۲)، (عاقلی، ۱۳۹۷: ۱۰۴: ۱۰۵) در اردیبهشت ماه (۱۲۹۵ش/۱۳۳۴ق) «کمیته میکس» به جهت دریافت مساعده ای مبلغ ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان از دولت انگلیس تشکیل شد تا در قبال دادن حق نظارت مالی بر قشون ایران به انگلیسی ها رسمیت بخشد. سردار معظم خراسانی در این زمان خود از رجال سرشناس ایران و مورد احترام کلیه نمایندگان دول خارجی اعم از متحدین و متفقین بود تا جاییکه مسیو زمر، کاردار سفارت آلمان ملاقات‌هایی محرمانه با وی داشت که به نوعی ماموریت از طرف دولت ایران برای گره گشایی در کارهای دولتی بود که هیچ پولی در خزانه نداشت و احتیاج مبرم به موراتوریوم (طلب مهلت) داشت. (کحال زاده ۱۳۶۲: ۲۰۵)

در این شرایط افراد بانفوذی همانند وثوق الدوله و نصرت الدوله فیروز و فرمانفرما در ازای دریافت مبالغی رشوه صد هزار تومانی، توسط بانک شاهنشاهی انگلیس به موراتوریوم (طلب مهلت) رای مثبت دادند. هر چند سردار معظم خراسانی نیز از تایید کنندگان طرح مزبور است اما معلوم نیست که وی نیز چنین تعهدی داده و مبلغی را دریافت کرده باشد. (روزنامه ایران، ۱۳۰۰: ۱)

سرانجام در سال (۱۲۹۷ش/۱۳۳۶ق) در کابینه صمصام السلطنه جنگ بین الملل اول پایان یافت و در آن زمان استان های ایران غرق در آشوب و بلوا بودند. استان گیلان از جمله این استان‌ها بود. در دولت وثوق الدوله، سردار معظم خراسانی (سال ۱۲۹۸ش/۱۳۳۷ق) به عنوان والی گیلان به رشت اعزام شد. در فترت بین مجلس سوم بعد از انحلال مجلس چهارم که شش سال طول کشید، علی رغم نمایندگی دوره چهارم مجلس شورای ملی به دلیل فترت بین مجلسین از طرف دولت وثوق الدوله به سابقه آشنایی در مجلس دوم و سوم به حکومت گیلان که از نظر امنیت وضع خوبی هم نداشت انتخاب شد، تا به مقابله با نهضت جنگل پردازد. وثوق الدوله با این کار در صدد جلب رضایت روسها در مناطق شمالی ایران بود، که به ویژه پس از ایجاد امنیت در جنوب حال متوجه گیلان شده بود. (عاقلی، ۱۳۹۰: ۲۴۸: ۲۴۹) لذا سردار معظم خراسانی را به همراه پالکونیک استراسلسکی فرمانده قزاقخانه با اختیارات و ساز و برگ کامل، راهی رشت نمود هر چند مدت زمامداری او در آنجا کوتاه بود و همزمان از طرف دیگر وثوق الدوله، از طریق صدرا لاشرف رئیس شعبه تبر رشت، مذاکرات و مکاتباتی محرمانه با میرزا کوچک خان را آغاز نمود. (همان، ۱۳۹۰: ۵۶)

سردار معظم خراسانی که متوجه موضوع فوق گردید، از وثوق الدوله درخواست توقف مذاکرات و اخراج تعدادی از قضات دستگاه عدلیه که منتسب به نهضت جنگل بودند را خواستار شد که وثوق الدوله آن را نپذیرفت. در پی درگیری های بین سردار معظم خراسانی و میرزا کوچک خان، نیروهای میرزا به داخل جنگل متواری شدند. سرانجام با خدعه سردار معظم مبنی بر عفو عمومی، بعضی از سران آنها چون دکتر حشمت طالقانی تسلیم شدند و دیگر یاران جنگل در دادگاه میرزا جواد خان متین الملک،

اعدام گردیدند. در واقعه ای دیگر، تعدادی از اهالی رشت، در حوالی جنگل توسط قوای دولتی دستگیر و به دستور سردار معظم خراسانی تعداد پنج تن از آنها بدون هیچ گونه محاکمه و بازجویی و به صورت اسامی تصادفی که گویا در حالت مستی توشیح گردیده بود در سحرگاه روز بعد به دار آویخته شدند. این حادثه باعث ایجاد تشنج در رشت شد و تا چند روز بین تهران و رشت، تلگراف رمزی رد و بدل شد، سرانجام تصمیم به عزل و بازگشت سردار معظم خراسانی، به تهران توسط وثوق الدوله اتخاذ و به وی ابلاغ گردید. (خواجہ نوری، ۱۳۵۷: ۴۲-۴۳)

چنانکه صدرالاشراف بعد ها در خاطرات خودش چنین عنوان می نماید: «تلگرافی از وثوق الدوله رسید که صلاح در ابقاء سردار معظم خراسانی در گیلان هست یا نه، که من نوشتم، حتی یک ساعت هم بودن او در رشت صلاح نیست روز بعد تلگراف احضار او رسید و او عازم تهران شد». (صدرالاشراف، ۱۳۶۳: ۲۴۰-۲۴۱)

روایت روزنامه شفق از حادثه رشت بدین صورت است که: «در باره حوادث گیلان و اعلام حکومت نظامی به دستور وثوق الدوله رئیس الوزراء وقت، اختیارات فرماندهی قشون به کلنل استراسلسکی فرمانده قزاقان روسی، صورت گرفته بود و پنج نفر در طی درگیریها، هنگامی که مسلح بودند دستگیر، و طی محاکمه نظامی به اعدام محکوم شده بودند». (روزنامه شفق سرخ، ۱۳۰۲: ۱) وثوق الدوله بعد از عزل سردار معظم خراسانی، احمد خان آذری که ریاست مالی گیلان را برعهده داشت را کفیل حکومت گیلان نمود. (دولت آبادی، ۱۳۹۷: ۱۳۷۱-۱۴۰) بعدها ناصرالاسلام نماینده رشت در مجلس پنجم در مورد علت مخالفت با اعتبار نامه سردار معظم خراسانی بر همین اعدام ها اصرار میورزید و سردار معظم خراسانی در مقام پاسخ و توجیه برآمد (عاقلی، ۱۳۹۷: ۱۱۴)

مجلس چهارم و سردار معظم خراسانی

چهارمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی پس از ۵ سال و ۷ ماه دوره فترت در سال (۱۳۰۰ش / ۱۳۳۹ق) و با سقوط احمد شاه قاجار گشایش یافت. مشیرالدوله نخست وزیر وقت با اتخاذ سیاستی خاص، مبنی بر تجدید انتخابات و مراجعه به آرای عمومی در مورد وکلای انتخاب شده که به بهانه نارضایتی مردم از انتخابات گذشته صادر گردیده بود، تمهیداتی با لغو قرارداد (۱۹۱۹م) در مجلس آینده را فراهم کرد. مجلس چهارم وارث یک دوران فترت طولانی و پر از تنش های داخلی و خارجی بود. از اقدامات ویژه و ارزشمند مجلس چهارم تنظیم طرحی از طرف فراکسیون اکثریت مجلس به رهبری مدرس بود، که به موجب آن قرارداد (۱۹۱۹م) ملغی گشت، و اعلامیه الغای آن رسماً به دولت انگلستان تسلیم گردید. دیگر اقدامات، استخدام مستشاران آمریکایی برای اصلاح امور مالی به موجب قانون مصوب را می توان ذکر کرد. هرچند عمر مجلس چهارم، همزمان با قیام و شورشها جهت حکومت خودمختاری صورت میگرفت. (شجیعی، ۱۳۷۳: ۲۰۷)

دولت مشیرالدوله تحت فشار مجبور به استعفاء شد و رییس الوزرای بعدی یعنی سپهدار اعظم، که سرسپردگی به محافل انگلیسی داشت، علی‌رغم تمام تلاش‌هایش برای دایر نمودن مجلس شورای ملی، در این زمینه ناموفق عمل نمود. سپهدار اعظم با اشاره انگلیسی‌ها طی بیانیه‌ای که منتشر نمود، خواهان تشکیل مجلس عالی شد که این مجلس مرکب از اعیان و رجال سیاسی بود که در غیاب نمایندگان مجلس شورای ملی درباره فرجام قرارداد (۱۹۱۹م) تصمیم‌گیری، نمایند. مجلس عالی به دستور احمدشاه و با حضور نمایندگان طبقات مختلف ملت برگزار شد و در آغاز جلسه یادداشت سفارت انگلیس خوانده شد. از آنجا که مجلس عالی هرگونه تصمیم‌گیری درخصوص معاهدات خارجی را منحصر در حوزه اختیارات مجلس شورای ملی می‌دانست، بی‌نتیجه باقی ماند، اما بریتانیا که از منافع خود دست بردار نبود، برای تحقق روح قرارداد (۱۹۱۹م) متوسل به کودتا شد. (ملایی توانی، ۱۳۸۱: ۲۰۷)

انتخابات تدریجی مجلس چهارم ظرف سه الی چهار سال، طول کشید که قسمت عمده اش مقارن بوده با دوران زمامداری وثوق‌الدوله و احزابی چون دموکرات‌ها و اعتدالیون که در آن صاحب نفوذ بسیار بودند. هر چند در داخل مجلس اقلیت را حزب سوسیالیست‌ها تشکیل می‌دادند و اکثریت مجلس چهارم به رهبری مدرس، لیبر اصلاح‌طلبان بوده و نمایندگان برجسته‌ای چون مدرس، سردار معظم خراسانی، فیروز میرزا، نصرت‌الدوله، تدین، سهام‌السلطان، حکیم‌الملک، محمد هاشم میرزا و مشیرالدوله حاضر بودند، بهترین ناطق مجلس چهارم به اذعان همه و حتی شخص مدرس، سردار معظم خراسانی بوده است و سخن مدرس در این زمینه بدین مضمون معروف است: «خیلی افسوس می‌خورم، که با مخبر بودن آقای سردار معظم خراسانی یگانه ناطق مجلس، بنده به ناچار صحبت نمایم»، هرچند حضور کسانی چون سلیمان محسن، تدین، جز ناطقین مجلس بودند. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۶)

اما ترکیب اصلی جریان اصلاح‌طلبان که جزو نمایندگان انتخابی دوره زمامداری وثوق‌الدوله تا کودتای (۱۲۹۹ش/۱۳۳۸ق) بودند، افرادی چون آشتیانی، سردار معظم خراسانی، نصیر السلطنه اسفندیاری و نصرت‌الدوله بودند و با انجام تغییرات تدریجی و اصطلاحات آرام و مطابق فرهنگ ملی و دینی ایران، روند قدرت‌گیری و صعود سیاسی رضاخان را فراهم ساختند که از این رهگذر به سلطنت رسیدن رضاخان رهین‌فعالیت همین حزب که در مجلس چهارم آغاز شده بود، می‌باشد. در مقابل کسانی چون قوام‌السلطنه، برای مهار تندروی‌های رضاخان، ضرورت نقش قدرتمند مجلس را خواستار بودند تا در مقابل اقدامات سردار سپه در مصارف بی‌رویه مالی برای ارتش، نظارت دقیق‌تری را اعمال نماید. بررسی صلاحیت اعتبارنامه‌های و کلاهی انتخاباتی مجلس چهارم بیش از سایر ادوار گذشته مورد ایراد و کنکاش قرار گرفت و حتی مسائل سیاسی و حزبی در رسیدگی اعتبارنامه‌ها دخالت داده شد، به ویژه برای کسانی که با کابینه سید ضیاء‌الدین طباطبایی همکاری کرده بودند. در همین مجلس، افرادی مثل نصرت‌الدوله فیروز برای اولین بار سابقه شخصی افراد را نیز مورد موشکافی قرار می‌

دادند. ریاست این دوره مجلس را میرزا حسن خان موتمن الملک عهده دار گشت و سردار معظم خراسانی، برای انتخابات هیات رئیسه، بعد از سه روز رای گیری با ۳۳ رای در برابر سلیمان میرزا محسن، با ۲۶ رای به عنوان نائب رئیس اول مجلس انتخاب شد. (ملایی توانی، ۱۳۸۱: ۸۷) شاید بزرگترین نقص مجلس چهارم فقدان وحدت نظری و تقابل مردان سیاسی، مذهبی به حد افراط و تفریط در موضوعات بوده تا جایی که یکدیگر را به تکفیر سیاسی و مذهبی محکوم می کردند. (مکی، ۱۳۷۴: ۳۳۶)

سردار معظم خراسانی در ظهور و سقوط دولتهای مستقر نقش مهمی داشت، به ویژه در قضیه واگذاری امتیاز نفت شمال به کمپانی آمریکایی، دفاع سردار معظم خراسانی از مشیرالدوله باعث تمایل نمایندگی به ریاست الوزرای او شد. مشیرالدوله در سوم بهمن (۱۳۰۰ش/۱۳۳۹ق) برای سومین بار مامور تشکیل کابینه شد و ضمن معرفی اعضای کابینه، سردار معظم را به عنوان وزیر عدلیه معرفی نمود. (عاقلی، ۱۳۹۰: ۳۱۲-۳۱۳) احمد شاه قاجار نیز فرمان رئیس الوزرای، مشیرالدوله را صادر کرد. (روزنامه ستاره ایران، ۱۳۰۳: ۱)

مشیرالدوله از رئیس مجلس درخواست جلسه خصوصی نمود، تا برای وزراء معرفی شده، چون نیرالملک وزیر معارف، مدیرالملک (جم)، سردار معظم خراسانی، به عنوان وزیر عدلیه که به مجلس معرفی شده اند توضیحاتی دهد و رفع ابهام گردد. سردار معظم خراسانی که به دلیل نداشتن تحصیلات حقوقی، و به خاطر دوستی با مشیرالدوله در زمان تحصیل در روسیه به کابینه راه یافته بود. سابقه اشتباهات سردار معظم در دوران والیگری او در گیلان، از نکات و ابهامات قابل بحث بود. مشیرالدوله که به قانون دلبستگی خاصی داشت و معتقد بود تا زمانی که عدالت در کشوری اجرایی نشود چرخه اقتصادی، سیاسی و اداری آن کشور بر مدار صحیح دور نخواهد زد، برای جامه عمل پوشاندن به آرزوی خود که همان عدالت بود، سردار معظم خراسانی را مامور اجرای این کار کرد زیرا به دلیل شخصیت مصمم، سردار معظم خراسانی در انجام امورات محوله و آشنایی با ادوار مختلف مجالس گذشته که در کارنامه خود داشت، برای این امر مناسب تشخیص داده شد. سردار معظم خراسانی در اقدامی ارزشمند، افراد شایسته ای چون میرزا رضا خان نائینی که با کارنامه ای از آزادی خواهی و روزنامه نگاری، و کالت و قضاوت، را به سمت معاونت خویش منصوب نمود، همچنین اصلاح قوانین در تشکیلات محاکم عدلیه و انتصاب و تدوین قوانین در چهار کمیسیون از جمله همین اقدامات است. وی همچنین ریاست کمیسیون جزا و محاکمات جزایی را به آدلف پرنی مستشار فرانسوی وزارت عدلیه و رئیس مدرسه عالی حقوق داد و میرزا رضا خان نائینی، را در راس کمیسیون تدوین قانون مدنی قرارداد. سردار معظم خراسانی در اول فروردین (۱۳۰۱ش/۱۳۴۰ق) محاکم عدلیه را تعطیل و قریب به ۹۰ نفر از قضات را از خدمت معاف نمود. اما طولی نکشید مشیرالدوله و سردار سپه، کارشان به نزاع کشید و مشیرالدوله مجبور به استعفا شد. در این شرایط کار سردار معظم خراسانی در وزارت عدلیه عقیم ماند هرچند در آینده با عملکرد، داور در سال (۱۳۰۶ش/۱۳۴۵ق) اصلاحات عدلیه صورت تحقق پذیرفت. (عاقلی، ۱۳۹۰: ۳۱۲-۳۱۳)

۳۱۳) مجلس چهارم میراث دار یک دوران پرتنش و هرج مرج داخلی و خارجی و فترت طولانی سیاسی بود، به ویژه برای مهارزیاده روی های رضاخان سردار سپه مجلس شورای ملی، به حمایت از رجال استخوان داری چون احمد قوام روی خوش نشان داده بود، در کارنامه مجلس چهارم تصویب لایحه واگذاری امتیاز نفت شمال به کمپانی (استاندارداویل) تحت ۵ ماده توسط دولت مستعجل قوام تصویب شد هرچند مورد اعتراض دول روس وانگلیس قرار گرفت و یا لایحه محاکمه وزیران شامل ۱۳۱ ماده در تاریخ (۷ آبان ۱۳۰۱ ش/ ۱۳۴۰ ق) که تقدیم مجلس شد. (شجیعی، ۱۳۷۳: ۲۰۹)

در گردونه بازی زمانه، مجدداً قوام السلطنه در تابستان سال (۱۳۰۱ ش/ ۱۳۴۰ ق) با استعفای دولت مشیرالدوله، تشکیل دولت داد، سردار معظم خراسانی در مقام نایب رییس اول، در نطق زیرکانه ای گفت: (چون آقای قوام به علل و جهاتی حاضر به ادامه زمامداری نیستند برای جانشینی ایشان هیچ کس مناسبت تر از مشیرالدوله، نیست) که این نطق، کار خود را کرد و نمایندگان فریاد برآوردند، رای، رای... (مستوفی، ۱۳۸۶: ۳۳۶) از طرف صدر اعظم به سمت والیگری کرمان و بلوچستان گمارده شد تا از مرکزیت سیاسی در تهران دور نگه داشته شود. (دیوان بیگی، ۱۳۵۳: ۳۱)

سردار معظم خراسانی در مهرماه (۱۳۰۱ ش/ ۱۳۴۰ ق) که وارد کرمان شد، به دلیل اوضاع آشفته منطقه، از رضاخان وزیر جنگ به جهت سر و سامان دادن به نظمیه کرمان، تغییر رئیس نظمیه را خواستار شد، و رضاخان در پاسخ، تلگراف سردار معظم را به جهت فرستادن شخص کاردان، به نظمیه تهران ارجاع داد، که سردار معظم قانع نشد و مجدداً در دی ماه (۱۳۰۱ ش/ ۱۳۴۰ ق) تلگرافی به رضاخان وزیر جنگ می فرستد و توضیحات بیشتری می دهد مبنی بر این که کمتر کسی پیدا می شود که با ماهی ۸۰ تومان از تهران به کرمان بیاید و اگر هم بیاید دو ماه طول می کشد به اینجا برسد. وزیر جنگ که اصرار سردار معظم خراسانی را می بیند، طی تلگرافی به امیر لشکر جنوب (آیرم) به این مضمون دستور می دهد که (یک نفر صاحب منصب قابل، برای ریاست نظمیه کرمان انتخاب و رئیس فعلی آنجا را به خدمت دیگر بگمارد)، آیرم پس از این دستور از طریق رئیس قشون کرمان یک فرد را جایگزین فرد دیگر در نظمیه کرمان می نماید. (اسناد موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پ: ۱۰: ۹۷)

سردار معظم در دوره زمامداری خود در کرمان متوجه دودستگی شدید بین مردم که پیشینه ای دیرینه داشته، می شود و اینکه هیچ کدام از والیان گذشته در مقام رفع این اختلافات خانوادگی که ریشه عمیقی هم نداشته بر نیامده اند. سردار معظم خراسانی با وساطت میان بزرگان شیخیه و بالاسری ها که گاهی به خشونت می گرایید، تمام سعی خود را می نماید تا میان پیروان شیخ احمد احسائی، که بدعت تازه در دین گذاشته بود و شیخیه و دیگر خانواده متنفذ بالاسری های کرمان را حل و فصل نماید. از دیگر خصوصیات سردار معظم در مدت زمامداری کرمان همچون والیان قبلی اهل پرونده سازی برای اخذ جریمه و رشوه خواری نبود. دوران ماموریت او در کرمان دوران توأم با امنیت و آرامش برای اهالی منطقه بوده است. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۱۹۷)

در خصوص اوضاع بلوچستان ایران نیز باید اشاره شود که انگلیسی مایل نبودند امنیت در آن منطقه باشد به ویژه از زمانی که قونسول خانه بلشویکها در کرمان تأسیس شده بود، خطر ترویج مرام اشتراکی مرزهای هند را تهدید می‌کرد. (اسناد موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پ: ۱۰: ۹۷)

سردار معظم خراسانی در مدت ۲۰ ماه در کرمان و بلوچستان به عنوان والی به اقداماتی دیگری همچون، کارگاههای قالبیافی آن ایالت که اغلب در زیر زمین و شرایط غیر انسانی و عدم برخورداری از لحاظ نور و هوای کافی قرار داشتند، دست به اصلاح زد. همه کارگاه ها به سطح زمین منتقل شدند و به ایجاد خط ترانزیت بین کرمان و بلوچستان که تأثیر مهمی در مبادلات کالا و خدمات و رونق اقتصادی منطقه محروم داشت، دستور داد. (الله جانی، ۱۳۸۴: ۱۵۱)

دوره پنجم مجلس شورای ملی و سردار معظم خراسانی

اوضاع سیاسی ایران در آستانه مجلس پنجم که یکی از فصل های پراهمیت در تاریخ سیاسی مشروطه ایران و نقش ویژه سردار معظم بعنوان یکی از بازیگران تاثیر گذار بر روند جریانات و حوادث آتی در صحنه سیاست ایران محسوب می شود که در روز (۲۲ بهمن ۱۳۰۲ ش/ ۱۳۴۱ ق) در مجلس پنجم با نطق افتتاحیه ولیعهد محمد حسن خان قاجار گشایش یافت. (روزنامه شفق، ۱۳۰۲: ۱۴) در دوره پنجم قانونگذاری مجلس شورای ملی ایران که یکی از ادوار بسیار مهم در تاریخ مشروطه ایران و خصوصاً تاریخ سیاسی ایران است، فصل تازه ای در این باب گشوده شد. دوره پنجم تقنینیه (قانون- گذاری) که خود مولود یک سلسله حوادث و وقایع مهمی بود، مسیر تاریخ معاصر ایران را عوض کرد و به انقراض سلسله کهنسال قاجاریه پایان داد. (مروارید، ۱۳۷۷: ۴۱۷)

سردار معظم خراسانی در این دوره از نیشابور انتخاب و راهی مجلس پنجم شد در این دوران سردار سپه بعد از رفتن احمد شاه به اروپا، تمام تلاش خود را متوجه اتمام انتخابات دوره پنجم نموده بود تا آنچه در سر می‌پروراند که بدون تصویب مجلس امکان جامه عمل پوشاندن به آن را نداشت، پی بگیرد. از این رو، طی تلگرافی به عوامل خود در استانها اعلام نمود تا به صورت جدی در انجام پروسه انتخابات و راهی نمودن وکلای همسو به مجلس تا اوائل بهمن ماه (۱۳۰۲ ش/ ۱۳۴۱ ق) اقدام کنند. در نهایت دوره پنجم مجلس شورای ملی به دست رئیس الوزراء افتتاح شد و به اطلاع عموم رسید. (عاقلی، ۱۳۹۰: ۳۴۸)

سردار سپه طی فرایند قدرت یابی خویش به ویژه بعد از اتمام دوره چهارم مجلس (قبل از افتتاح مجلس پنجم) در تیرماه (۱۳۰۲ ش/ ۱۳۴۱ ق) توانست از احمد شاه فرمان رئیس الوزاری خود را بگیرد. بعد از مسافرت احمد شاه به اروپا که دیگر هرگز باز نگشت، به تدریج بر همگان ثابت شد که هیچ قدرتی نمی‌تواند رضاخان را از میدان خارج کند چون که اکثریت مجلس هم طرفدار سردار سپه بودند. (شفق سرخ، ۱۳۰۴: ۱)

سردار سپه از مجلس پنجم برای رسیدن به اهدافی چون افزایش بودجه وزارت جنگ که در حد نصف بودجه مملکتی بود، همچنین اهدافی دیگر همانند گذراندن قانون نظام اجباری، که طبق عرف به گونه ای بود که ملاکان مخارج آن را می پرداختند و ترتیب سربازگیری، به این صورت بود که نیروی انسانی آن از جوانان روستایی تامین می شد و جوانان شهری از خدمت اجباری معاف بودند. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۳۱۸-۳۱۹)

سردار سپه این قانون را در سراسر مملکت اجرا نمود. مقصود اصلی سردار سپه که رسیدن به سلطنت بود و بر خلاف مفاد قانون اساسی مشروطه که بقای سلطنت را در خانواده محمد علی شاه قاجار شرط کرده بود و احمدشاه و ولیعهدش محمدحسن میرزا به آسانی قدرت را واگذار نمی کردند، رضا خان ناچاراً یا باید قانون اساسی را لغو می کرد و یا به تدبیرهای عملی دیگر دست می زد. (همان، ۱۳۷۱: ۳۱۹)

اعتبارنامه سردار معظم خراسانی در مجلس دوره پنجم از طرف ناصر الاسلام گیلانی مورد مخالفت واقع شد. که به دلیل عدم صلاحیت شخصی، در کارنامه والیگری گیلان و اعدام ۵ نفر بیگناه و همچنین در نحوه انتخابات در حوزه نیشابور و عضویت سردار معظم خراسانی در کمیسیون میکس مورد خدشه واقع شده بود که مخبر کمیسیون در دفاع از سردار معظم خراسانی به استناد تایید صلاحیت او در دوره چهارم مجلس شورای ملی، پرونده را به کمیسیون مربوطه فرستاد، اوطی نطق مفصلی از خود دفاع نمود و اعتبار نامه اش با اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مورد تصویب واقع شد. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

اما در خصوص واکنش مجلس پنجم درباره اقدامات سردار سپه به دو دسته می توان تقسیم و اشاره نمود، که یک دسته به لیدری تدین به اسم فراکسیون تجدد معروف شدند و عده آن شاید به ۴۰ نفر هم نمی رسید. دسته دوم ۱۴ یا ۱۵ نفر از سوسیالیست ها بودند که سلیمان میرزا و میرزا محمد صادق طباطبایی، لیدری آنها را به عهده داشتند و سردار سپه با همکاری این پنجاه، شصت نفر هواخواه، هرچه می خواست از تصویب مجلس می گذارند و در این میان با بروز قضیه جمهوری خواهی سردار سپه که مانع سلطنت می شد مجلس به صحنه کارزار، اقلیت، اکثریت، مخالف و موافق جمهوری رضاخانی بدل گردید. (مکی، ۱۳۷۴: ۴۴۳)

موافقان سردار سپه در دوره پنجم کسانی چون تدین، داور، سردار معظم خراسانی به عنوان لیدر و رهبران اصلی نقش آفرینی میکردند. همچنین حزب رادیکال که لیدر آن داور بود. اما فراکسیون اقلیت که شامل ملک الشعراى بهار، قوام السلطنه، زعیم، حائری زاده و میرزاعلی کازرونی که به رهبری مدرس بودند در مقابل دسته دیگر، صف آرایى نمودند و تنی چند از مستقلین مثل مشیرالدوله، مستوفی- الممالک، مصدق و دولت آبادی و تقی زاده و موتمن الملک به عنوان بیطرف و ناظر مستقل اوضاع ایفای نقش می کردند. (عاقلی، ۱۳۹۰: ۳۴۹)

اقلیت و اکثریت نمایندگان بنا بر سنت پارلمانی، بر سر مسائل و حوادث سیاسی روز که باعث ایجاد بحران و تشنج در صحن مجلس می شد در برابر یکدیگر صف آرایی می کردند. تا جایی که در (۱۷ اسفند ۱۳۰۲ ش/ ۱۳۴۱ ق) نزاع بر سر جمهوری خواهی سردار سپه بین اقلیت و اکثریت مجلس منجر به سیلی زدن احیاء السلطنه عضو فراکسیون اکثریت به لیدر برجسته اقلیت مجلس، یعنی مدرس شد و صدای این سیلی چنان بلند بود که بازاریان تهران و روحانیت و مردم در حمایت از مدرس به تظاهرات پرداختند. قضیه جمهوری خواهی رضاخان باعث انشقاق در اکثریت مجلس گردید و تعدادی از آنان به همراه مستقلین به اقلیت مجلس پیوستند و علما و بازاریان و اصناف و اقشار مختلف مردم در فروردین (ش ۱۳۰۳ / ۱۳۴۲ ق) در محوطه عمارت مجلس در میدان بهارستان اجتماع بزرگی تشکیل دادند که باعث شد طرح جمهوری خواهی رضاخان به طور کامل عقیم بماند. (شجیعی، ۱۳۷۳: ۲۱۱)

اما موضع سردار معظم خراسانی در قبال طرح جمهوری خواهی سردار سپه، موضعی مخالف بود و جمهوری را برای ایران صلاح نمی دانست. ولی این مانع از حمایت های پنهان سردار معظم خراسانی از سردار سپه در مجلس به ویژه در کمیسیون نظام که سردار سپه بیش از همه با آن سر و کار داشت، نمی شد. همچنین در دولت کودتای سیدضیاء الدین طباطبایی که مدت طولانی در مسند قدرت نتوانست باقی بماند و در خرداد سال (۱۳۰۰ ش/ ۱۳۳۹ ق) دولت او به پایان رسید و قوام السلطنه مأمور تشکیل کابینه شد، او همراهی با این دولت نداشت. (روزنامه ایران، ۱۳۰۰: ۱) سردار معظم خراسانی در این زمان در مجلس پنجم نه در فکر نایب رئیسی بود و نه نطق کردن، ولی هر جا سردار سپه احتیاج به دفاع یا فعالیت داشت از او دریغ نمی کرد، چون ریاست کمیسیون نظام مجلس با او بود، بیشتر با سردار سپه ارتباط صمیمانه برقرار نمود. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۲۰۳)

سردار معظم خراسانی، آنقدر باهوش بود که از اوضاع سیاسی مملکت و عدم بازگشت احمد شاه به ایران با خبر باشد و بیشتر به سوی سردار سپه متمایل و در کابینه، او به مقام وزارت فوائد عامه و تجارت، منصوب گردد. (همان، ۱۳۹۷: ۲۰۲) قبل از به وزارت رسیدن سردار معظم خراسانی دو اتفاق قابل توجه در پایتخت همچون قتل میرزاده عشقی شاعر و روزنامه نگار جنجالی (روزنامه قرن بیستم) در نقد قضیه جمهوری خواهی رضا خان و همزمان قتل ایمری امریکایی در واقعه سقاخانه آقا شیخ هادی، از چشمان تیزبین سردار معظم مغفول نمانده و دریافت که قدرت واقعی در دستان کیست و کفه ترازو به سمت سردار سپه سنگین تراست و هر جا نیاز به حمایت از سردار سپه در مجلس یا کمیسیون نظام دریغ نمی کرد. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۲۰۲، ۲۰۳)

از اقدامات سردار معظم خراسانی در دوره این وزارتخانه، می توان به سروسامان دادن اوضاع اقتصادی ایران در نخستین گام، طی دعوتی به کلیه دارندگان امتیاز نامه برای تطبیق و ثبت در وزارت فوائد عامه در دو ماه می توان اشاره کرد. (حبل المتین، ۱۳۰۴: ۱) همچنین به واگذاری شیلات شمال که به نوعی رشوه و حق سکوت به روسها بود تا در برابر سلطنت سردار سپه سنگ اندازی نکنند

و یا در قضیه نفت خوربان و حق واگذاری به تبعه روس خوشناریا و گرفتن سهام از وی که بعدها در دادگاه یکی از جرم های سردار، تلقی گردید و ایجاد اتهاماتی برای او شد، می توان اشاره نمود. (فطن السلطنه، ۱۳۵۱ : ۲۰۴) با تمام تلاش های صورت گرفته از سوی سردار معظم خراسانی و علی اکبر داور و دیگرهم فکرائشان به منظور انتقال قدرت آرام و زیر پوستی به سردار سپه در پی استعفای احمد شاه از مقام سلطنت بلا نتیجه ماند. یکی دیگر از اقدامات مجلس پنجم، با تلاش امثال داور و تیمورتاش تفویض اختیار فرماندهی کل قوا برای رضا خان بود. (مسعودی؛ ۱۳۲۹ : ۱۰۹) قانون منسوخ شدن القاب و درجات نظامی افراد بود و الزام کلیه افراد ایرانی به دریافت سبج (شناسنامه) و نام خانوادگی در سال (۱۳۰۴ش/۱۳۴۳ق) می توان اشاره کرد، که در همین خصوص سردار معظم خراسانی نیز فامیل ((تیمورتاش)) را برای خود انتخاب کرد که وجه تسمیه آن برگرفته از نام زادگاه او از توابع دهستان کسابلردر شهرستان بجنورد خراسان شمالی می باشد و یا به روایتی برگرفته از نام یکی از فرزندان امیر چوپان که در دوران سلطنت ایلخان ابوسعید بهادر به حکومت آسیای صغیر، رسیده بود و به گفته ایران تیمورتاش، پدراز بازماندگان امیرچوپان می باشد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹ : ۳۶)

با تمام تلاش های صورت گرفته از سوی سردار معظم خراسانی و علی اکبر داور و دیگرهم فکرائشان در پی تشکیل جلسه ۹ آبان ماه مجلس شورای ملی به سال (۱۳۰۴ش/۱۳۴۳ق/۳۱ اکتبر ۱۹۲۵م) و با خلع احمد شاه قاجار، برطبق ماده واحده با رای اکثریت ۸۰ نفر موافق و ۵ نفر مخالف، فروپاشی سلسله قاجاریه اعلام شد و با تشکیل مجلس موسسان حکومت موقت به رضا خان پهلوی سپرده شد، و پیش از خاتمه مجلس پنجم انتخابات مجلس موسسان شروع شده در تاریخ ۱۵ آذرماه (۱۳۰۴ش/۱۳۴۳ق) تشکیل جلسه داده و سرانجام در ۲۱ آذرماه همین سال مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵م در طی چهارمین جلسه خود ضمن تفسیر مواد ۳۶-۳۷-۴۰ متمم قانون اساسی سلطنت رضا خان واعقاب ذکور ایشان واگذار گردید در ۴ اردیبهشت ماه (۱۳۰۵ش/۱۳۴۴ق/۲۵ آوریل ۱۹۲۶م) به صورت رسمی تاجگذاری نمود. (شجیعی، ۱۳۷۳ : ۲۱۱)

نتیجه گیری

بعد از نهضت مشروطه، تاریخ ایران دارای دوران جدیدی در عرصه تحولات حاکمیتی شد یکی از پیامدهای این نهضت، تشکیل مجلس شورای ملی بود که در این میان نقش وکلای مردم از اهمیت بارزی برخوردار بود هر چند در دوره پهلوی اول در تضعیف آن اقداماتی صورت گرفت. سردار معظم خراسانی، یکی از مردان نامدار تاریخ معاصر می باشد که با قرار گرفتن بر کرسی وکالت مجلس توانست تا بالاترین سطوح مناصب حاکمیتی، را طی کند. او از دوره دوم به عنوان نماینده حضور داشت و عضو حزب اصلاح طلبان در مجلس چهارم و در مجلس پنجم عضو حزب تجدد بود به علت داشتن قدرت بیان عالی و آشنایی و مطالعه مطبوعات خارجی و داخلی، در مجلس از ناطقان برجسته شمرده می شد. تا تغییر سلطنت دو بار به والیگری و دو بار به وزارت، رسید او بیشتر در پی کسب قدرت بود و برای رسیدن به هدفش از هیچ مانعی هراس نداشت. سردار معظم خراسانی مناصب مختلف را پله پله از حکمرانی ایالات تا نمایندگی و وزارت طی کرد. او با دخالت در مجلس پنجم توانست افراد هوادار سردار سپه را روانه مجلس کند که در هنگام رای گیری برای تغییر سلطنت این امر قابل درک بود. اگر چه رضا خان در جریان جمهوری خواهی شکست خورد ولی باز به کمک مجلس توانست به رییس الوزرای برسد. سردار سپه، بعد از این توانست با بهره گیری از وکلای طرفدارش یک گام اساسی برای بدست آوردن سلطنت بردارد که در این برهه نقش سردار معظم خراسانی پررنگ است.

بهرحال، سلسله اقدامات هوشمندانه اشخاصی چون تیمورتاش، مسیر تاریخ معاصر ایران را در جهتی سوق داد که با تغییر شیوه حکومت از سلسله قاجاریه، نوع تازه‌ای از تجددگرایی در همه ارکان حکومت که منطبق با ایده آلهای شخصیتی وی بود، اتفاق بیفتد.

کتابنامه

- الله جانی، علی، **نگاهی به کارنامه سیاسی عبدالحسین تیمورتاش**، دایره المعارف.. اتحادیه، منصوره (۱۳۷۱)، **احزاب سیاسی در مجلس سوم**، تهران: ناشر نشر تاریخ ایران.
- آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ثبت شماره ۶۷، سند شماره ۲.
- اسناد موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، پ ۱۰، ۹۷.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۵)، **تاریخ احزاب سیاسی ایران**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- پورآرین، فواد (۱۳۸۵)، **انقلاب فراموش شده**، تهران: ناشر چاپار.
- تقی زاده، سیدحسین (۱۳۷۹)، **تاریخ مجلس شورای ملی**، تهران: انتشارات فردوس.
- خواجه نوری، ابراهیم (۱۳۵۷)، **بازیگران عصر طلایی**، تهران: تشارات جاویدان.
- خاطرات دیوان بیگی (۱۳۵۳)، **مجله خاطرات وحید**، نقل از شماره ۳۱.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، **حیات یحیی**، ج ۴، تهران: انتشارات فردوس.
- روزنامه ستاره ایران** (۱۳۰۳)، سال دهم، شماره بیست دو، هشت سنبله، ص ۱
- روزنامه شفق سرخ** (۱۳۰۲)، سال دوم، شماره ۲۲، ص ۱۴۳
- روزنامه ایران** (۱۳۰۰)، سال پنجم، شماره ۸۸۶، ص ۱
- روزنامه جبل المتین** (۱۳۰۴) سال ۳۳، شماره ۳۰، ص ۲۲، ص ۱.
- روزنامه ایران** (۱۳۰۰) سال پنجم، شماره ۹۴۵، ص ۱
- روزنامه شفق سرخ** (۱۳۰۲) سال سوم، شماره ۳۲۸-۱۱، برج حمل، ص ۱.
- شجیعی، زهرا (۱۳۷۳)، **نخبگان سیاسی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی**، ج ۳، تهران: انتشارات سخن.
- شفق سرخ** (۱۳۰۴)، سال چهارم، شماره ۳۱۸، ص ۱.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۷۹)، **صعود و سقوط تیمورتاش**، تهران: انتشارات توس.

صدرالاشرف، محسن (۱۳۶۴)، **خاطرات**، تهران: ناشر وحید.

صورت مذاکرات مجلس دوم (۱۳۲۹) جلسه ۲۶/۳۳۱، ج ۳، ص ۱۹۳۲.

صورت مذاکرات مجلس دوم (۱۳۲۲)، جلسه ۲۹، ج سوم، ص ۱۹۴۰.

عاقلی، باقر (۱۳۹۷)، **تیمورتاش**، تهران: انتشارات جاویدان.

..... (۱۳۹۰)، **نخست وزیران ایران**، تهران: انتشارات جاویدان.

فطن السلطنه (۱۳۵۱)، **گذشت زمان**، تهران: بی نا.

غنی، سیروس (۱۳۸۰)، **برآمدن رضاخان و برافتادن قاجارها و نقش انگلیسی ها**، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نیلوفر.

کدی، نیکی آر (۱۳۸۱)، **ایران دوران قاجار**، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.

کحال زاده، میرزا ابوالقاسم (۱۳۶۲)، **دیده ها و شنیده ها**، تهران: نشر فرهنگ.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶)، **تاریخ قاجار**، ج ۲، تهران: انتشارات زوار.

مسعودی، عباس (۱۳۲۹)، **اطلاعات در یکربیع قرن**، تهران: بی نا.

مروراید، یونس (۱۳۷۷)، **ادوار مجلس قانونگذاری در دوران مشروطیت**، تهران: نشر واحدی.

مکی، حسین (۱۳۷۴)، **تاریخ بیست ساله**، ج ۲، تهران: انتشارات علمی.

ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳)، **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، ج ۲، تهران: انتشارات علمی.

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۱)، **مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه**، تهران: انتشارات اسناد انقلاب اسلامی.

* کمیسیون میکس جهت حفظ منافع ملی تشکیل شده بود و عضویت افراد آگاه می توانست از ضررهای آن بکاهد.

The study of Abdolhossein Khan Moazezolkolk Teymourtash's performance from Majlis-e-Shouraye Melli (The National Consultative Assembly) to the establishment of Majlis-e-Moassesan (Constituent Assembly).

Hamid Fakhrrjaafari/Omhd Sepehrirad/ Abulhasan Mobayeyen

Abstract

Teymourtash had a fundamental role in transforming the authoritarian power circle of Qajar to Constitutional Monarchy and informing the parliament deputies of the Western states' games of power. He, along with Forooghi, Modarres Taghizade, Davar and other, was one of the lecturers and the leader of Eatedalyon (The Moderates) party in the second parliament (Majlis). He is known as a key figure in being an arbitrator in interaction with other countries and passing legislative resolutions such as establishment of Gendarmerie, opposition with The 1919 Treaty, immigration of parliament deputies from Qom to Kermanshah during 1919 occupation, granting the Northern oil exploitation right to the American company, The Mix Committee decisions, closure of the parliament on the issue of Schuster and also the period of "gap" and serving as the governor of Gilan, Kerman and Baloochestan, ministry of justice, impartiality on the issue of republicanism, joining Reza Shah's cabinet, establishment of Majlis-e-Moassesan (Constituent Assembly) and ousting Qajar dynasty from power. This study, utilizing a desk research method, tries to find an answer to this question: What political roles had Moazezolkolk had from the time of being a parliament deputy to the establishment of Majlis-e-Moassesan (Constituent Assembly) and before serving as the Ministry of Court of Pahlavi? We also study his performance during socio-political changes of the period by investigating existing historical documents and sources.

Keywords: political parties, Abdolhossein Khan Moazezolkolk, republicanism, The Senate, Majlis-e-Shouraye Melli (The National Consultative Assemb

عنوان: تصاویر عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی



نصرت الدوله فیروز



ذکاالملک فروغی



رضا شاه پهلوی



سید حسن مدرس



رضا خان در کنار احمد شاه



تیمور تاش حامل
تاج پهلوی اول



مشیر الدوله



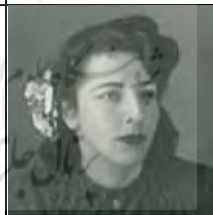
تیمور تاش وزیر
دربار



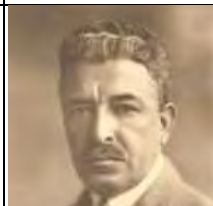
موسولینی و تیمور
تاش



تیمور تاش



ایران دختر تیمور
تاش



تیمور تاش در
اواخر عمر

 <p>ایراندخت با پدرش</p>	 <p>سید محمد تدین</p>	 <p>سید حسن تقی زاده</p>	 <p>علی اکبر داور وزیر عدلیه</p>
 <p>قوام السلطنه</p>	<p>و ثوق الدوله</p>  <p>احمدشاه</p>	<p>رضاخان در کنار</p> 	 <p>تیمور تاش وزیر دربار</p>
 <p>میرزا کوچک خان</p>	<p>پرتال جامع علوم انسانی مطالعات فرهنگی</p>	 <p>ستارخان (سردار ملی)</p>	